

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر استن - المان
هشتم اگست ۲۰۰۸

و عده تصویر

و عده کردی که فرستم ، یکی تصویر ، چه شد؟
کاسه صبر من از وعده شکستن ، بیشکست
ای بهانه گر و ، ای شوخک و ، ای وعده خلاف
گر دو سه عاشق بیچاره ، چو تو پیدا بود
قهر از من مشو و ، من ز تو قهرم به خدا
عاشقان در پی معشوق ، دوانند ، ولی
از خدا حافظی و قهر ، سخن می رانی
جگرم پاره نمودی و ، نمک می پاشی
پس ازین نام مرا محو کن از صفحه دل
آخرین پاسخ من گیر و ، نما تعویذش

به امیدش ، من آواره شدم پیر ، چه شد؟
پتره و ، پتره گر و ، جرأت تدبیر ، چه شد؟
تهمت ، بر من افسرده ز تحقیر ، چه شد؟
همه معشوقه به فریاد ، که زنجیر ، چه شد؟
که به آزار دلم ، لحظه ای تأخیر ، چه شد؟
من بقریان سرت ، قسمت و تقدیر ، چه شد؟
ناز کم کن صنما ، توبه و تقصیر ، چه شد؟
مرچ تند سخن و سوزش و تأثیر ، چه شد؟
زیر پا کرده بگو ، منبع تنویر ، چه شد؟
دل «نعمت» چه شد و قدرت تسخیر ، چه شد؟

و عده کردی که فرستم ، یکی تصویر ، چه شد؟

به امیدش ، من بیچاره شدم پیر ، چه شد؟